

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث ما قبل از تعطیلات در ادله‌ی حجیت خبر واحد بود؛ دلیل حجیت خبر واحد از قرآن کریم، روایات و اجماع را مورد بحث قرار دادیم. دلیل چهارمی که برای حجیت خبر واحد اقامه شده و به تصریح بسیاری از اصولیین عمده‌ی ادله‌ی این باب است؛ به این معنا که اگر بر سایر ادله مناقشاتی وارد باشد، در این دلیل آن مناقشات وارد نیست؛ این دلیل تمسک به سیره‌ی عقلاست.

دلیل چهارم حجیت خبر واحد: سیره‌ی عقل

سیره‌ی عقلانیه قائم بر این است که در همه‌ی امور به خبر واحد ثقة عمل می‌کنند. اگر شخص واحدی، یک نفر، خبری را بیاورد در حالی که ثقة باشد، عقلاً به آن ترتیب اثر می‌دهند و آن را معتبر می‌دانند. و این سیره‌ی عقلانیه از زمان ما تا زمان معصومین هر چه به قبل برویم، جاری بوده است؛ و شارع متعال با این که این سیره در منظر او بوده است، از آن ردعی نکرده است؛ که اگر شارع ردع کرده بود باید به ما می‌رسید. **لو ردع لوصل إلینا** . اما هیچ موردی پیدا نمی‌کنیم که شارع متعال از این سیره‌ی عقلانیه ردع فرموده باشد. در باب قیاس، آنطور که برخی از بزرگان نقل کرده‌اند، حدود پانصد حدیث در ردع از عمل به قیاس داریم. اگر واقعاً نسبت به خبر واحد ثقة شارع ردعی فرموده باشد، لااقل باید ضمن چند حدیث و آیه و روایتی این ردع واقع شده باشد؛ که مسأله‌ی عمل به خبر واحد به مراتب شایع‌تر و بیش‌تر از عمل به قیاس است. عقلاً هر روز در امور مربوط به خودشان به هزاران خبر ثقة واحد عمل می‌کنند. پس، معلوم می‌شود که شارع از این سیره ردعی نکرده است؛ و عدم ردع شارع شاهد خیلی خوبی است که شارع متعال این سیره‌ی عقلانیه را امضا کرده است. در برخی از عبارات‌ها نیز آمده است که این سیره اختصاص به مسلمانان ندارد و در همه‌ی صاحبان ادیان وجود دارد. این اجمال دلیل چهارم.

بررسی اشکالات دلیل چهارم

نسبت به این دلیل که مرکب از دو مقدمه شد؛ یکی ادعای عمل عقلاً به خبر واحد ثقة و دوم، عدم ردع شارع. نسبت به هر دو مقدمه، اشکال شده است. تا زمان مرحوم آخوند و بعد از ایشان مرحوم نائینی، اینها عمدتاً نسبت به مقدمه‌ی دوم اشکال داشتند؛ و می‌خواهند بگویند رادع داریم. **اشکال مقدمه اول**، این است که ما قبول نداریم عقلاً به خبر واحد ثقة بما این که مفید برای ظن است، عمل می‌کردند؛ و این دلیل چهارم زمانی دلیلیت دارد که بپذیریم عقلاً به خبر واحد ثقة بما این که دلیل ظنی هست، عمل کرده‌اند. درحالی که این طور نیست؛ برای این که ممکن است کسی بگوید عقلاً از باب اطمینان به خبر واحد به آن عمل می‌کنند. هنگامی که به عقلاً مراجعه شود، از آنها سؤال شود اگر کسی به شما خبر داد که زید را کشتند، و همین مقدار بدانید که دروغگو نیست، آیا به خبر این شخص به عنوان این که مفید اطمینان است عمل می‌کنید یا این که عقلاً می‌گویند کاری به اطمینان نداریم؟

برخی گفته‌اند: به نظر ما اگر عقلا به خبر واحد ثقة عمل می‌کنند، از باب این است که خبر واحد برای آنها مفید اطمینان است؛ و اگر مفید اطمینان باشد، دیگر از محلّ کلام خارج می‌شود. منظور از اطمینان نیز همان علم عرفی و عادی است و نه علم عقلی. ما باید این را بررسی کنیم، ببینیم آیا عقلا در امور رایج بین خودشان به خبر واحد به عنوان این که مفید اطمینان است عمل می‌کنند یا این که نه، عقلا در امور رایج بین خودشان به خبر واحد عمل می‌کنند؛ می‌خواهد مفید اطمینان باشد یا نباشد؟ ظاهر همین دوّمی است؛ یعنی: وقتی عقلا به خبری عمل می‌کنند، این‌طور نیست که بگوییم در ارتکاز اینها اطمینان حاصل شده است. اگر از آنها سؤال شود که آیا احتمال خطا و اشتباه نمی‌دهید؟ خواهند گفت: بله. اما به این احتمال اشتباه اعتنا نمی‌کنند. بله، جایی که احتمال کذب بدهند، به آن عمل نمی‌کنند؛ لیکن در مورد احتمال اشتباه به این احتمال اعتنا نمی‌کنند. بنابراین، اگر کسی بخواهد در مقدّمه اول مناقشه کند، به نظر ما مجالی برای مناقشه نیست. شاهد آن نیز این است که اگر واقعاً ملاک آنها اطمینان باشد، باید در ارتکاز آنها باشد؛ اگر از آنها سؤال شود که چرا به این خبر عمل کردید؟ باید بگوید من اطمینان دارم که درست و مطابق با واقع است؛ در حالی که چنین اطمینانی در ارتکاز عقلا نیست. این را هم اضافه کنیم: اگر از عقلا سؤال کنیم چرا به خبر واحد ثقة عمل می‌کنید؟ می‌گویند اگر به این عمل نکنیم، عسر و حرج لازم می‌آید.

باید عقلا به بسیاری از اخبار عمل نکنند. شاهد اخیر ما این شد که خبری که مفید اطمینان باشد در میان هزاران خبری که در یک روز واقع می‌شود، خیلی نادر است؛ و عقلا اصلاً تفکیک نمی‌کنند. پس، مناقشه در مقدّمه اول به نظر ما وارد نیست و باید آن را کنار گذاشت. بنابراین، عقلا به خبر واحد ثقة عمل می‌کنند، اعمّ از این که اطمینان برای آنها حاصل شود یا نشود. البته گاه خبر واحد ثقة مفید اطمینان است؛ این را ما انکار نمی‌کنیم. اگر ملاک حصول اطمینان بود، باید قائل به تفکیک شویم؛ در جایی که یک نفر ثقة برای عده‌ای - مثلاً ده نفر - خبری را بگوید؛ در صورتی که برای چند نفر اطمینان حاصل شود و برای بقیه حاصل نشود، باید بگویند کسانی که اطمینان حاصل کرده‌اند به آن خبر عمل کنند و بقیه عمل نکنند؛ در حالی که هیچ یک از عقلا چنین تفکیکی را نمی‌گویند. این نکات، قرائن و شواهدی است که به لبّ سیره‌ی عقلائیّه برسیم؛ که عقلا در جایی هم که اطمینان نباشد به خبر واحد ثقة عمل می‌کنند. هم‌چنین، عرض کردم که در این مقدّمه‌ی اوّل، مرحوم شیخ، مرحوم آخوند، مرحوم نائینی هیچ کدام خدشه ندارند. اوّل جایی که دیدم در آن خدشه شده است، در آخر کلمات مرحوم صاحب منتقى الاصول است. ایشان فرموده است: ما قبول نداریم که عقلا به خبر واحد به عنوان دلیل ظنّی عمل می‌کنند، بلکه به عنوان این که مفید اطمینان است عمل می‌کنند. امّا عمده‌ی بحث در مقدّمه‌ی دوّم است. در مقدّمه دوم مستدل گفت سیره‌ی عقلائیّه از طرف شارع ردعی ندارد. اشکال این است که پس این آیات ناهیه از عمل به ظنّ نمی‌تواند رادع باشد. **(وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ)** یا **(إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا)** رادع از سیره‌ی عقلائیّه است. شما که می‌گویید رادع نداریم، چنین نیست؛ و اینها رادع هستند. نسبت به این مسأله فردا انشاءالله کلام مرحوم آخوند را بیان خواهیم کرد که انصافاً یکی از نقاط مشکل بحث حجّیت خبر واحد همین قسمت است. وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.